

## هشتم مارس روز جهانی زن را گرامی بدریم

هشتم مارس مصادف است با روزی که در سال ۱۹۰۷ میلادی زنان کارگرو زحمتکش امریکا برای کسب حقوق سیاسی خود دست به تظاهرات سراسری زدند، کلاراتسکین یکی از زنان مبارز مشهور آلمان، در کنفرانس بین‌المللی زنان در سال ۱۹۱۰ برای اولین بار پیشنهاد کرد که این روز به عنوان روز بین‌المللی زنان شناخته و جشن گرفته شود. این روز لااقل مسبب آن می‌شود که باب بحث و گفتگو پیرامون مسایل و مشکلات زنان گشوده شود و دوباره تاکید شود که زنان نیمی از جمعیت جهانند و دوسوم کارهای دنیا بر دوش آنهاست. اما فقط صاحب یک دهم درآمد و یک صدم دارایی‌های جهان هستند. دستمزد زنان در ازای کار برابر با مردان در آمریکا ۷۵ درصد، در فرانسه ۸۱ درصد، در کانادا ۶۳ درصد، در چین ۵۹ درصد، در کره جنوبی ۵۳ درصد و در هنگ‌کنگ ۴۲ درصد مردان است.

یک چهارم زنان در جهان مورد آزار و اذیت همسران خود قرار می‌گیرند. در برخی کشورها مانند بحرین و کویت زنان هنوز حق رای ندارند. سالانه بیش از نیم میلیون زن در سراسر جهان به علت بیماری‌های دوران بارداری و زایمان می‌میرند. روزانه ۱۷ زن در هندوستان بدلیل نداشتن جهیزیه به دست خانواده شوهر به قتل می‌رسند. در آسیا شمار زنان ۶۰ میلیون کمتر از مردان است. دلیل این مسئله استفاده از روش‌های پزشکی برای تشخیص جنسیت و سقط جنین دختر است. دسترسی دخترها در جهان سوم به آموزش و بهداشت و تغذیه مناسب بسیار کمتر از پسرها و مرگ و میر نوزادان دختر بر اثر بیماری و سوءتغذیه بر مراتب بیشتر از نوزادان پسر می‌باشد. زنان در طی قرن‌ها برای تأمین حقوق خود مبارزه کرده‌اند و هماهنگ با شرایط خواسته‌های آنها نیز تغییر یافته است. مقاومت و مبارزه زنان در طول تاریخ گاه جمعی و آگاهانه و گاه منفرد و نیمه آگاهانه جهت گریز از نقش‌های تحمیلی از سوی جامعه مردسالار و پدرسالار صورت گرفته است. زمانی نوک تیز مبارزات زنان علیه فلسفه فیلسوفانی چون ارسطو- هیوم- روسو- کانت و هگل که در قدرت تعقل زنان شک داشتند، بود. ده‌ها سال طول کشید که متفکران استدلال کنند که عقب ماندگی زنان نسبت به مردان نتیجه محرومیت آنان از دست‌هایی به امکانات برابر با مردان بوده است. کمی دیرتر بخشی از فلاسفه سوسیالیست استدلال کردند که قیود و تابعیت زن شکلی از ستم می‌باشد که از نهاد جامعه طبقاتی سرچشمه گرفته و اگر طبقات در جامعه از بین بروند تساوی حقوق زن و مرد نیز میسر خواهد شد. اما این تئوری روشن نمی‌کند که چرا از زمان‌های اولیه یک نوع تقسیم کار مبنی بر اینکه مردان به تولید لوازم کار و معاش و زنان به کار خانگی بپردازند، وجود داشته است. از آغاز قرن نوزدهم به آنچه تحت عنوان جنبش زنان معروف بود کلمه فرانسوی فمینیسم اطلاق شد. جنبش زنان تا امروز مجموعه متنوعی از گروه‌هایی بود که هر یک به نحوی در تأمین حقوق زنان و پیشبرد آن کردند و اینک مفهوم فمینیسم فعالیت تمام کسانی را در بر می‌گیرد که برای پایان دادن به تابعیت زنان در سطح جهان تلاش می‌کنند. اما مسئله زنان در سطح ملی و ایران چگونه است؟ بزرگترین سد راه رشد و ترقی و برابری با مردان در ایران تفکر مردسالارانه حاکم بر نظام حقوقی کشور است. قانونگذاری در جمهوری اسلامی برابری انسانها را در نظر نگرفته است و اعمال خشونت علیه زنان را تا حد مرگ آزاد گذاشته است. طبق ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی، دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است. اجازه خروج به خارج از کشور منوط به تأیید شوهر یا پدر می‌باشد. بر اساس قوانین فوق دختر ۹ ساله ای که مسئولیت کیفری دارد و با او درست مثل یک مرد ۵۰ ساله برخورد جزایی میشود، ولی اگر او بخواهد از کشور خارج شود می‌گویند تا سن ۱۸ سالگی باید از پدرش اجازه بگیرد. طبق قوانین اسلامی حق حضانت و نگهداری کودک با پدر است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگاهداری و تربیت اطفال را حق و تکلیف پدر و مادر، هر دو می‌داند. لیکن بعد از طلاق، اصل تساوی آنها فراموش می‌شود. مسئله زنان ایران تادیده گرفتن قوانین مربوط به زنان در اعلامیه حقوق بشر است. اما زن ایرانی علیرغم این محرومیت‌ها، تبعیض‌ها از پای ننشسته است. در دهه‌های گذشته زن ایرانی نشان داده است که دیگر تماشاگر ساده اجرای قوانین تحمیلی علیه خودش نیست. او از هر امکانی برای رهایی خویش استفاده می‌کند، زنجیرهای نابرابری را پاره می‌کند و حقوق مستقل خود را به عنوان یک انسان می‌شناسد و عمل می‌کند.